

## چشم انداز سیاسی

و

## وظایف کنونی سوسیالیست های انقلابی

با تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی در ایران و گسترش تخاصم های طبقاتی، مسئله چگونگی ایجاد ابزارهای ضروری برای مقابله با رژیم سرمایه داری و نهایتاً سرنگونی و جایگزینی آن با يك حکومت کارگری، به مسئله محوری جنبش کارگری تبدیل شده است. یکی از مهمترین ابزارها، برای براندازی دولت سرمایه داری، بنابر تجربه انقلاب های پیروزمند قرن اخیر، حزب انقلابی پرولتری، «حزب پیشتاز انقلابی»، است. شاید کلیه جریان های سیاسی با ضرورت طرح و تشکیل «حزب کارگری» توافق عمومی داشته باشند، اما بر سر چگونگی ایجاد، ترکیب و ساختار درونی آن نه تنها توافقی وجود ندارد که اختلاف های عمیق و متضادی موجود است. به همین علت هنوز نه تنها «حزب کارگری» سراسری در ایران وجود ندارد که حتی نطفه های اولیه آن نیز شکل نگرفته است. نیروهای «چپ» هنوز در افتراق و پراکندگی کامل بسر می برند.

در میان مدعیان ساختن حزب انقلابی، عموماً دو انحراف وجود دارد. اول، جریان هایی که بر این اعتقاد هستند که حزب طبقه کارگر را می توان توسط عده ای «روشنفکر کمونیست» حتی جدا از پیشروی طبقه کارگر ساخت، به شرطی که این «حزب» و یا «سازمان» مجهز به «برنامه انقلابی» باشد. بر این اساس، طبق روال همیشگی حزب های مشابه، «برنامه انقلابی» خود را تدوین، اعضای «انقلابی» خود را جلب و «حزب» خود را اعلام کرده و می کنند. به زعم آنها این حزب از طریق نشریه ای می تواند «خط مشی» صحیح را به درون طبقه کارگر برده و آن طبقه را

نیز طی دوره اعتدالی انقلابی جذب کند. آنها بر این باورند که سایر افراد و جریان ها برای انجام کار متشکل سیاسی بایستی به آنها بپیوندند! این انحرافی است که اکثر سازمان های سنتی به آن آغشته هستند.

انحراف دوم، برخورد افراد و محافلی است که به علل مختلف به کار متشکل سیاسی با تردید می نگرند. آنها حتی آغاز کار متشکل به شکل نطفه ای را نیز موکول به «بحث» بیشتر و «جمع بندی» عمیق تر می کنند! آنها بر این اعتقاد استوارند که تنها در انتهای مرحله ای (نامعلوم!) از «بحث» و «جمع بندی»، همه جریان های اپوزیسیون چپ می توانند به يك تشکل «نوین» و «پاکیزه» از همه عیوب گذشته برسند!

گرچه این انحراف ها در ظاهر در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند، اما نکات بسیار مشترکی نیز با یکدیگر دارند. هر دوی این انحراف ها وضعیت کنونی جنبش کارگری و مبارزات قشر پیشروی کارگری را، حداقل در دهه گذشته، نادیده می گیرند. از این زاویه، روش کار هیچ يك منطبق با وضعیت کنونی نیست. هر دو نقش محوری رهبران طبیعی طبقه کارگر را از محاسبات خود حذف می کنند. انحراف اول، ساختن «حزب کارگری» را بدون رهبران طبیعی کارگران تجویز می کند و خود را محور کل جنبش کارگری قرار می دهد. انحراف دوم خود را از نیازهای ملموس این قشر، مبنی بر ضرورت حیاتی ایجاد نطفه های اولیه حزب پیشتاز انقلابی، جدا می کند. انحراف اول، راه را برای ایجاد يك حزب واحد کارگری که امر سازماندهی و سرنگونی رژیم حاکم را بایستی در دستور کار خود قرار دهد، کاملاً می بندد. انحراف دوم، در انتظار «ناجی» نشسته و امر تدارك اولیه ساختن «حزب» را به تعویق می اندازد.

انحراف اول، روشی است که سازمان های سنتی اتخاذ کرده و به هیچ وجه پاسخگوی نیاز جنبش کارگری نیست. اینها نهایتاً نیروهای خود را نیز تحلیل برده و به فرقه های در بسته بدون پایه توده ای تبدیل خواهند شد. اضافه بر این «برنامه» اینها «برنامه» ای انقلابی نیست. زیرا که اکثر این برنامه ها به انحراف های تاریخی

جنبش کمونیستی در قرن اخیر آغشته اند؛ و هیچ يك هنوز از انحراف های برنامه ای گذشته برش قاطع نکرده اند. از این گذشته، حتی بهترین «برنامه»ها نیز بدون آزمایش در درون مبارزات زنده روزمره طبقه کارگر، صرفاً مطالب «خوبی» بر روی کاغذ باقی خواهند ماند و بس!

انحراف دوم، روشی است که «محافل»، «کادرها»، «اعضا»ی سابق سازمان های سنتی و یا فعالان جنبش کارگری که چوب این سازمان ها را خورده اند، پیش گرفته اند. تردید به ایجاد نطفه های اولیه (هسته های متشکل) و بی اعتمادی به هر حرکت متشکل، از مشخصات بارز این طیف است. اینها به بهانه های مختلف امر دخالتگری سیاسی را به تعویق انداخته و عمدتاً با خرده کارهای بی حاصل سر خود را گرم می کنند. «پروژه»ها و «طرح»های تخیلی این «محافل» و «دسته»ها نیز همه به شکست انجامیده است.

ما با هر دوی این روشها مخالفیم. زیرا اینها دو روی يك سکه اند. روش کار ما با هر دوی اینها متفاوت است. زیرا که هیچ يك از این برخوردها را منطبق با وضعیت کنونی جنبش کارگری ایران نمی بینیم.

به اعتقاد ما از یکسو، «حزب پیشتاز انقلابی»، تشکیلاتی که جدی ترین، فعالترین و متعهدترین عناصر طبقه کارگر را دربر می گیرد، بایستی در کنار مبارزات طبقه کارگر ساخته شود. «برنامه انقلابی» این حزب باید بطور روزمره در مبارزات کارگران علیه کارفرمایان و نظام سرمایه داری، صیقل خورده و تدقیق شود. حزبی که قرار است کل کارگران و زحمتکشان و قشرهای تحت ستم در جامعه را برای سرنگونی رژیم سرمایه داری و تسخیر قدرت سازمان دهد، نمیتواند توسط چند «روشنفکر» آنها در خارج از کشور ایجاد و یا اعلام شود.

از سوی دیگر، ما اعتقاد بدست روی دست گذاشتن و انتظار روز موعود کشیدن را نداریم. وضعیت جنبش کارگری در ایران در واقع وظایف ما را به بهترین نحوی تعیین کرده است. سازماندهی مخفی کمیته های عمل کارگری در دهه گذشته، همراه با

ایجاد هسته های محلی در نقاط مختلف ایران، روش سازماندهی را در این مرحله از مبارزات، نشان می دهد. ما نیز بعنوان بخشی از جنبش کارگری، بایستی در درون هسته های کارگری سوسیالیستی خود را متشکل کرده و امر ارتباط گیری با پیشروی کارگری و محافل کارگری را از طریق انتشار نشریات کارگری همراه با آنها عملی کنیم.

اما، در وضعیت کنونی با اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران و وخیم تر شدن بحران اقتصادی، باید ساختار تشکیلاتی ای فراتر از اینها ایجاد کرد. ساختاری که در درون آن، هسته ها (چه در خارج و چه در ایران) خود را برای تشکیل گروه انقلابی آتی، در سطح عملی و نظری، آماده کنند. ساختاری که در واقع به مثابه پلی است در راستای ایجاد یک «حزب پیشتاز انقلابی» در ایران.

در نتیجه، این تشکیلات نه یک «حزب» می تواند باشد و نه یک «محفل بحث» «حزب» یا «گروه» باید در ایران همراه با پیشروی کارگری ایجاد کرد، و دوره ی «محافل بحث» نیز به پایان رسیده اند. کلیه افراد و نیروهایی که خود را «سوسیالیست انقلابی» (کمونیست) می دانند باید کار متشکل خود را در راستای ایجاد «حزب پیشتاز انقلابی» از هم اکنون آغاز کنند. «بحث» ها و «جمع بندی» های اضافه تر، می توانند در درون یک ساختار تشکیلاتی دمکراتیک، ضمن کار متشکل، ادامه یابند. گرایش ها و افرادی که اعتقاد به «انقلاب کارگری- سوسیالیستی»، برنامه «انقلابی- انتقالی»، «حزب پیشتاز انقلابی» دارند؛ کسانی که در گفتار و کردار «سوسیالیست انقلابی» اند، یعنی و چه تمایز خود را از استالینیزم، سانتریزم، آناکو- سندیکالیزم به روشنی بیان و از خرده کاری های بی نتیجه پرهیز کرده و در عمل خواهان پیوند با کارگران پیشرو در ایران در راستای ایجاد «حزب پیشتاز انقلابی» اند، بایستی در یک ساختار تشکیلاتی مشخص گرد هم آیند. ما خواهان کار مشترک با این طیف در درون یک تشکیلات دمکراتیک و با رعایت حق گرایش هستیم. این تشکیلات را ما «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران» می نامیم.

## چرا ایجاد «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی» ضروری است؟

علت ضرورت تشکیل «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی» (از این پس «اتحادیه») در وضعیت کنونی چندانگانه است.

اول، تشکیل چنین ساختاری منطبق با شکل سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران است. طی سال های گذشته تشکل هایی نظیر «کمیته های عمل مخفی»، «هسته های کارگری»، «محافل کارگری»، «هسته های سوسیالیستی» و غیره میان کارگران مبارز و انقلابیون در ایران شکل گرفته و در حال گسترش اند. اینها ساختارهایی برای پیشبرد مبارزات ضد سرمایه داری در وضعیت اختناق آمیز موجود، هستند. اینها در ضمن یکی از مؤثرترین ابزار مبارزاتی علیه رژیم سرمایه داری، در دهه گذشته، بوده اند.

با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی کنونی جنبش کارگری و حالت های انفجاری توده ای، آنچه در درون این محافل بیش از گذشته احساس می شود، ساختاری است که زمینه اتحاد و سازماندهی این تشکل ها را فراهم آورد. وجود چنین «اتحادیه» ای کانونی خواهد بود برای گرد آوردن حداقل بخشی از این هسته ها نهاد های مخفی. بخشی که در عمل به برنامه انقلابی و ضرورت سرنگونی قهرآمیز رژیم و جایگزینی آن با یک دولت کارگری رسیده اند. بدیهی است که برای رسیدن به چنین هدفی، «اتحادیه» بایستی در ایران شناخته شده و دوره ای از مداخله را از سر گذشته باشد. دوم، طیف سوسیالیست های انقلابی بایستی در مقابل گرایش های موجود اپوزیسیون رفرمیست، سانتریست و خرده بورژوا رایکال خود را متشکل کرده و آماده مداخلات مستقیم تر در جنبش کارگری باشد. البته ما مدعی نیستیم که دوره اعتدالی انقلابی / امروز در ایران فرا رسیده و انقلاب در راستای سرنگونی رژیم، قریب الوقوع است. بلکه ما بر این اعتقادیم که وضعیت و موقعیت انفجاری و انقلابی در ایران وجود دارد. قیام های توده ای در دوره های بعدی عمیق تر، گسترده تر و با

فاصله های کوتاه تر و به خصوص با شرکت مستقیم کارگران جوان رخ خواهد داد. در چنین وضعیتی، چنانچه طیف سوسیالیست های انقلابی از هم اکنون تدارک سازماندهی و دخالت را نبینند، در دوره اعتلای انقلابی، سازماندهی جنبش به بدیل های انحرافی چپ و یا بورژوازی سپرده خواهد شد. به سخن دیگر، خیانتی دیگر صورت خواهد پذیرفت.

سوم، تجربه چند سال گذشته نشان داده است که امر سازماندهی فعالیت های عملی و نظری، بدون وجود يك تشکیلات منجم و منضبط یا اصولاً امکان پذیر نیست و یا به کندی پیش خواهد رفت. کسانی که به بهانه های مختلف از قبیل: «زود» بودن ایجاد یک تشکیلات، آماده نبودن «شرایط» و لزوم ادامه «بحث» ها و «جمع» بندی تجارب گذشته، از تشکیل «اتحادیه» طفره می روند، باید کارنامه کارهای چند سال گذشته خود را در ارتباط با سازماندهی و جمع آوری طیف سوسیالیست های انقلابی ارائه دهند. تجربه همه اینها منفی بوده است. نه تنها کسی را متشکل نکردند که خود نیز به اضمحلال، انحطاط و یا پراکندگی هر بیشتر کشیده شده اند. درست برعکس، بهترین راه پیشبرد «بحث» ها و نتیجه گیری از آنها، در درون يك ساختار تشکیلاتی است. تجربه ما نشان داده است که بیش از این نمی توان برای افراد و جریان هایی که فعلاً علاقه ای برای دخالت در جنبش کارگری ندارند، صبر کرد؛ بخصوص کسانی که خود فعالیت متشکل سیاسی را رها کرده اند! انتظار برای متقاعد کردن این قبیل افراد، دیگر جایز نیست. چنانچه آنها جدی باشند خود در آتیه یا به ساختار دمکراتیکی که ایجاد می شود ملحق خواهند شد و یا هسته های دخالتگر خود را تشکل می دهند. روش «همه با هم» همیشه به عقب افتاده ترین نظریات تمکین خواهد کرد.

### ساختار تشکیلاتی اتحادیه چگونه باید باشد؟

«اتحادیه» نه يك «حزب» است و نه يك «انجمن» و یا «کلوب بحث». در نتیجه بایستی ساختار تشکیلاتی ای مترادف با موقعیت ویژه خود داشته باشد. از یکسو

«اتحادیه» قصد دارد که زمینه مساعدی برای همگرایی های آتی در راستای تشکیل یک گروه انقلابی (و نهایتاً حزب پیشتاز انقلابی) با گرایش های مختلف سوسیالیست های انقلابی، ایجاد کند. و از سوی دیگر ادعا ندارد که صرفاً شرکت کنندگان فعلی آن، تنها گزاشی اند که گروه انقلابی آتی را شکل خواهند داد. «اتحادیه» از یکسو، قصد پیشبرد امر دخالتگری در جنبش کارگری و تماس گیری با پیشروی کارگری را دارد؛ و از سوی دیگر مایل به ادامه «بحث» های درونی طیف سوسیالیست های انقلابی است.

در نتیجه چنین ساختاری هم باید محکم و منضبط باشد، تا بتواند در بیرون بطور جدی به کارها و وظایف خود عمل کند، و هم باید از آنچنان انعطافی برخوردار باشد تا سایر گرایش های سوسیالیست انقلابی بتوانند به راحتی به درون آن راه یابند. به سخن دیگر ساختار درونی این «اتحادیه» باید انعطاف پذیر تر از یک «گروه» یا «حزب» باشد. یعنی باید گرایش هایی که در درون آن در اقلیت قرار می گیرد، مجبور به قبول و اجرای نظریات اکثریت در بیرون نباشند. «حق گرایش» باید به عنوان یکی از مسایل اساسی آن تلقی گردد. افراد و گرایش هایی که پلتفرم عمومی آن را پذیرفته باشند، قادرند با حفظ استقلال نظری خود به شکل یک گرایش مستقل در درون آن فعالیت کنند.

### «اهداف و اصول» اتحادیه

همانطور که از نام این «اتحادیه» پیداست، تشکیلاتی است صرفاً برای افراد و گرایش هایی که خود را «سوسیالیست انقلابی» (کمونیست انقلابی یا مارکسیست انقلابی) می دانند. یعنی جریان هایی که از استالینیزم، رفرمیسم، اپورتونیزم و آنارکو-سندیکالیزم در گفتار و کردار برش قاطع کرده اند. و در عمل و بطور جدی حاضر به تلاش برای ایجاد «حزب پیشتاز انقلابی» هستند. در نتیجه چنین طیفی بایستی پلتفرم مشخصی نیز داشته باشد.

به اعتقاد ما پذیرش مفهوم «حزب پیشتاز انقلابی»، «انقلاب کارگری- سوسیالیستی»، «برنامه انقلابی- انتقالی» و «سوسیالیزم» پیش شرط های حداقل توافق برنامه ای در راستای تشکیل این «اتحادیه» است (۳). البته تفسیرهای مختلف از این مفاهیم می توانند موضوع بحث درونی «اتحادیه» باشند.

### سیاست های عمومی اتحادیه

سیاست محوری «اتحادیه»، جهت گیری مشخص به سوی کارگران پیشرو در ایران است. به سخن دیگر، تماس گیری با رهبران طبیعی و عملی طبقه کارگر، در راستای ایجاد یک حزب پیشتاز کارگری. چنانچه پس از دوره ای از فعالیت، «اتحادیه» نتواند تعدادی از کارگران پیشروی جوان در ایران را به برنامه و تشکیلات خود متقاعد کند، یک بازنگری ریشه ای مورد نیاز خواهد بود. فعالین چنین اتحادیه ای آگاهانه و با برنامه، ارتباط گیری با پیشروی کارگری را در دستور کار خود قرار خواهند داد.

در عین حال در خارج از کشور، امر تماس گیری به پناهندگان سیاسی کارگر و زحمتکش جدی تلقی خواهد شد. فعالیت و همکاری در «اتحاد عمل» های دراز مدت (و کوتاه مدت) با سایر جریان های سیاسی، صرفنظر از اختلاف نظرها، یکی دیگر از سیاست های چنین اتحادیه ای خواهد بود. این قبیل «اتحاد عمل» ها باید در ارتباط نزدیک و همراه با گروه های انقلابی کشورهای صورت گیرند که در آنها فعالیت های ضد رژیم صورت می گیرند.

### سیاست انترناسیونالیستی اتحادیه

چنانچه قرار باشد امر تدارک ایجاد «حزب پیشتاز انقلابی» در ایران جدی تلقی شود، امر تدارک ساختن یک بین الملل انقلابی (حزب پیشتاز انقلابی جهانی) نیز باید

پراهمیت قلمداد شود، زیرا که همانطور که در ایران چنین حزبی وجود ندارد، در سطح بین المللی نیز حزب انقلابی هنوز احیاء نشده است.

یکی از تفاوت‌های اصلی بین طیف «سوسیالیست‌های انقلابی» با سایر طیف‌ها در این بوده و هست که اولی در راستای ساختن یک بین الملل انقلابی، به مثابه یک ضرورت واقعی برای غلبه بر سرمایه داری جهانی، همواره گام‌های تعیین کننده برداشته است. اما دومی در بهترین حالت، یا به آلت دست «اردوگاه»‌های «سوسیالیستی» (مسکو و پکن) تبدیل شده و یا تحت لوای «همبستگی بین المللی» جریان‌های بین المللی را به عنوان یک «مؤسسه خیریه» پنداشته و صرفاً «کمک» یک جانبه از آنان طلب کرده؛ و یا صرفاً نام «انترناسیونال» را به منظور تبلیغات سیاسی با خود به یک می‌کشند.

به اعتقاد ما، هیچ یک از این شیوه‌ها راه ساختن یک بین الملل کمونیستی نیست. انقلابیون در هر کشوری، در راستای ساختن چنین بین المللی بایستی بطور فعال و جدی در سطح نظری و عملی با هم‌منظران خود در جنبش کارگری آن کشور دخالت داشته باشند. از این طریق هم تجارب جنبش کارگری آن کشورها به آنان منتقل می‌شود؛ و هم هم‌منظران خود را در عمل مبارزاتی همراهی و آزمایش می‌کنند. و همچنین خود را به عنوان یک نیروی جدی به آنها شناسایی خواهند کرد. این روشی است که «اتحادیه» اتخاذ خواهد کرد.

اما، هر سازمان بین المللی ای که نام خود را چنین می‌نهد، الزاماً انقلابی عمل نکرده و نمی‌کند. بسیاری از سازمان‌های بین المللی در درون طبقه کارگر کشورهای خود دخالت چشمگیری ندارند و صرفاً در جستجوی گرایش‌های خرده بورژوا رادیکال هستند. برخی نیز درک صحیحی از ساختن بین الملل کمونیستی ندارند. یا دچار انحراف‌های خود-مرکز بینی شده و صرفاً سایرین را به الحاق به خود دعوت می‌کنند؛ و یا به شکل فدرالیستی «همه» را به سازمان بین المللی خود بدون توافق برنامه‌ای و عملی دعوت می‌کنند.

در نتیجه، «اتحادیه»، بایستی متحدان بین المللی خود آگاهانه انتخاب کند. چنین سازمان هایی باید درك صحیح از ساختن يك بين الملل کمونیستی داشته و در کشورهای مختلف عمدتاً در درون جنبش کارگری فعالیت داشته باشند. و در سطح نظری دچار انحراف های اپورتونیستی نشده باشند. امروز در سطح جهانی برخلاف دوره پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، که «کمینترن» (بین الملل سوم) ایجاد شده بود، سازمانی که شایسته چنین نامی باشد و در عمل چنین اعتباری را در میان کارگران جهان کسب کرده باشد، وجود ندارد. اما این به این مفهوم نیست که چنین سازمانی هرگز به وجود نخواهد آمد. درست برعکس، هم اکنون نطفه های اولیه سازمان هایی که قصد احیاء يك حزب بین المللی را دارند در کشورهای مختلف ریخته شده است. امروز سازمان هایی وجود دارند که حداقل در کشور از اعتبار سیاسی در میان کارگران برخوردارند. «اتحادیه»، همزمان با مداخلات خود در ایران، با متحدان بین المللی خود همکاری های نزدیکی را آغاز خواهد کرد. همکاری های عملی و نظری در راستای تشکیل يك «حزب پیشتاز انقلابی بین المللی».